

اهداف توسعه هزاره سوم و چالش‌های پیش رو در ایران^۱

مریم بیژنی



کار و جامعه

در سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی، بزرگترین گردهمایی رهبران جهان در تاریخ با عنوان «نشست هزاره» در سازمان ملل متحد برگزار شد. برآیند این نشست، تصویب بیانیه هزاره بود که ملت‌های شرکت‌کننده را متعهد می‌ساخت در پرتو همکاری جهانی برای کاهش فقر، گسترش بهداشت، ترویج صلح، بهبود حقوق بشر، برابری جنسیتی و پایداری محیط زیست به پا خیزند. پس از آن که رهبران جهان در سال ۲۰۰۲ درباره چارچوبی برای تأمین منابع مالی اهداف توسعه در مکزیک به توافق رسیدند، نقطه عطفی در همکاری جهانی برای توسعه آغاز شد و برای تحقق اهداف توسعه در هزاره سوم، کشورهای جهان چه توسعه‌یافته و چه روبه‌توسعه در کنار هم به پیشنهاد و اجرای برنامه‌های مشترک پرداختند. در همین سال، کشورهای عضو سازمان ملل در نشست سران با موضوع توسعه پایدار که در آفریقای جنوبی برگزار شد، بر اهداف توسعه‌نیافتگی کشورهای نادر و کم‌درآمد و تسریع حرکت کشورهای رو به توسعه در مسیر توسعه‌یافتگی شکل گرفت.

این هدفها عبارت بود از: ریشه‌کن کردن فقر مطلق و گرسنگی، دستیابی به آموزش ابتدایی در جهان، ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش میزان مرگ و میر کودکان، بهبود تندرستی مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر بیماریها، تضمین پایداری زیست‌محیطی و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه.

در این نوشتار به‌گونه فشرده به بررسی وضع کنونی کشورهای روبه‌توسعه و مهمترین مسائل پیش روی ایران برای تحقق آرمانهای توسعه در هزاره سوم می‌پردازیم.

۱- برگرفته از ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۲۴۰ - ۲۳۹

آرمان نخست: ریشه‌کنی فقر مطلق و گرسنگی

نخستین هدف از مجموعه هدفهای توسعه در هزار سوم، از میان بردن فقر جانکاهی است که بیشتر کشورهای روبه‌توسعه با آن دست به گریباندند. منظور از این هدف، رهاندن نیمی از مردمان تهیدستی است که با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند و همچنین کاهش شمار کسانی است که از گرسنگی رنج می‌برند. تحقق این هدف، در سال ۲۰۱۵ میلاد در نظر گرفته شده است. آمارهای مربوط به فقر در کشورهای روبه‌توسعه نشان می‌دهد که یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تن با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. ۸۰۰ میلیون تن گرفتار سو تغذیه هستند و ۱۵۳ میلیون کودک زیر پنج سال از کمبود وزن رنج می‌برند. جمعیت فقیر کشورهای روبه‌توسعه در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین پراکنده است و برخی از مناطق همچون کشورهای زیر صحرای آفریقا شرایطی بسیار سخت دارند. ۱۹ کشور با کمترین شاخصهای توسعه انسانی در این منطقه دیده می‌شوند و از میان ۴۹ کشوری که پایین‌ترین سطح توسعه را در جهان دارند، ۳۴ کشور در آفریقا هستند. از ویژگیهای برجسته کشورهای آفریقایی می‌توان به حضور بیش از ۵۰ درصد جمعیت زیر خط فقر در آنها اشاره کرد. اریتره، چاد، مالی، نیجریه و... از جمله این کشورها به شمار می‌روند. بیش از نیمی از جمعیت فقیر کشورهای روبه‌توسعه در روستاها زندگی می‌کنند و بخشی از آنان نیز در حاشیه مراکز شهری متمرکز شده‌اند.

ایران

ایران از کشورهای رو به توسعه و کمابیش گرفتار دور باطل فقر و توسعه‌نیافتگی است. ایران همچون دیگر کشورهای روبه‌توسعه با مشکل کمبود آمار و اطلاعات دقیق در این زمینه روبه‌رو است، هرچند بررسیهایی موردی و منطقه‌ای درباره فقر، به ویژه در دهه‌های اخیر انجام گرفته است.

برپایه تازه‌ترین اطلاعات رسمی در سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱، خط فقر نسبی در مناطق روستایی ایران از ۲۰/۵۰ به ۱۹/۶۰ و در مناطق شهری از ۱۶/۳۰ به ۱۶/۶۰ درصد رسیده است. همچنین آمارهای رسمی گویای آن است که کمابیش ۹ درصد از جمعیت کشور کمترین انرژی خوراکی لازم را دریافت نمی‌کنند و ۶ درصد جمعیت زیر خط فقر دو دلار که بیانگر شدت محرومیت است قرار دارند. بدین‌سان با توجه به گفته‌های کارشناسان درباره گسترش فقر، به نظر می‌رسد که ایران برای به نصف رساندن جمعیت گرفتار فقر تا سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) با چالشهای بزرگی روبه‌رو باشد. مهمترین این چالشها عبارت است از:

دست نیافتن به رشد اقتصادی پایدار

تأمین هدفهای درازمدت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به ویژه تحقق عدالت اجتماعی با رشد و رونق اقتصادی رابطه تنگاتنگ

دارد. نبود رشد اقتصادی پیوسته و پایدار، راه را بر تداوم فقر و محرومیت می‌گشاید. هرچه رشد اقتصادی کشور بالاتر باشد، منابع بیشتری در اختیار جامعه قرار می‌گیرد تا برای ایجاد اشتغال، تولید، توسعه اجتماعی و از میان بردن فقر و محرومیت به کار گرفته شود. با این حال به علت وابستگی بازار کالاها و خدمات به اردات، ساختار اقتصادی کشور سخت آسیب‌پذیر شده و یکی از پیامدهای آن، رشد اقتصادی پایین در شرایط کنونی و چه بسا در آینده است.

تورم بالا

درحالی‌که شمار کشورهای گرفتار تورم دورقمی روبه‌روز کاهش می‌یابد، ایران ۳۰ سال است که با چنین معضلی دست به گریبان است. در برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی، پیش‌بینی حساب ذخیره ارزی در کنار تعیین سقف برداشت دولت از درآمدهای نفتی، از کارهایی است که در راستای خودداری از تزریق نسنجیده درآمدهای نفتی از راه بودجه و رویارویی با تکانهای مثبت و منفی آن انجام گرفته است. با این حال چنین می‌نماید که برداشتهای کلان دولت از این حساب، در کنار همه پیامدهای منفی آن، تورمی سنگین نیز به بار آورد. برآیند سیاستهای پولی و مالی در ۱۳۸۴، رشد ۳۴ درصدی نقدینگی بود و این روند در ۱۳۸۵ نیز ادامه یافت. این وضع در کنار کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی به افزایش تورم می‌انجامد و آثار منفی تورم بالا در اقتصاد کشور به گونه بی‌ثباتی اقتصاد کلان، سرازیر شدن نقدینگی به بازار دارایی‌ها و توزیع ثروت و درآمد به زیان تهیدستان دیده می‌شود. از دید اقتصاددانان کشور، سیاستهای انبساطی اعتباری دولت به گسترش فقر، افزایش شکاف طبقاتی، تورم و بیکاری می‌انجامد. از این رو تورمی که در سه دهه اخیر بر دستمزدها اثر منفی داشته و فقر و نابرابری را افزایش داده است، با ایجاد رکود و کاهش رشد و تولید، در عمل هموارکننده بستر فقر و محرومیت خواهد بود.

سیاست‌های پولی و مالی

چنان‌که پیشتر گفته شد، در برنامه چهارم راهکارهایی برای چگونگی به کار گرفتن درآمدهای نفت پیش‌بینی شده و همچنین دولت موظف شده است با واگذاری بخشی از مسئولیت خود به بخش خصوصی، به سیاستگذاری و نظارت بپردازد. باین‌حال بررسی سیاستهای انبساطی دولت از سوی کارشناسان که در دو متمم بودجه ۱۳۸۴ و قانون بودجه ۱۳۸۵ نود دارد و برداشت پی‌درپی از حساب ذخیره ارزی، به بزرگ شدن دولت و ناکارایی برنامه‌های اقتصادی آن می‌انجامد. فشرده سخن این که فروش سرمایه به‌گونه نفت خام و دستیابی به درآمدهای دلاری و تبدیل بخشی از آن به ریال و هجوم ریال‌ها به بازار، در کنار کسری بودجه و نیز چاپ و نشر اسکناس و در نتیجه افزایش نقدینگی سبب ایجاد پدیده‌های زیانبار اقتصادی از جمله تورم می‌شود که برآیند آن جز گسترده‌تری و استمرار فقر نخواهد بود.

بیکاری

افزایش فرصت‌های شغلی و درآمدی و در پی آن تشکیل دارایی برای تهیدستان، به معنای کاهش آسیب‌پذیری در برابر خطرهای گوناگونی است که آنان را تهدید می‌کند. از این رو نقش اشتغال در درآمدزایی و افزایش توان مالی خانواده‌های کم‌درآمد مهم و مؤثر ارزیابی می‌شود. برای ایجاد اشتغال باید فضای مناسب کسب‌وکار و زمینه حضور جدی بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی فراهم شود. با این حال، آمارهای دو رقیب بیکاری و برخی سیاستها که از دید کارشناسان با وجود اثر کوتاه‌مدت، به افزایش شمار بیکاران می‌انجامد، به بیکاری دامن زده است.

در میان این سیاست‌های می‌توان به افزایش دستمزد کارگران تا ۰۵ درصد اشاره کرد. هرچند پایین بودن دستمزد کارگران به گونه خاص و میانگین دستمزدها به گونه عام در ایران در سنجش با کشورهای توسعه‌یافته انکارناشدنی است، ولی چنین می‌نماید که راهکارهای مقطعی و بی‌توجهی به مجموعه‌ای از کنشها و واکنشهای اقتصادی که یکی از پیامدهای آن بیکاری است، نمی‌تواند کارساز باشد؛ چنان که در نخستین واکنش‌ها به افزایش دستمزد کارگران، بسیاری از آنان کار خود را از دست دادند و به جمع بیکاران کشور پیوستند. زیرا هنگامی که پایه مزد بالا می‌رود، بنگاه اقتصادی ناگزیر است از شمار کارگران خود بکاهد و این کاهش تقاضا برای نیروی کار، افزایش بیکاری را در پی دارد و بیکاری عامل گسترش فقر و محرومیت به ویژه در میان لایه‌های ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه است. بی‌گمان چنین وضعی، بحرانهای اجتماعی نیز به دنبال دارد.

یارانه‌ها

درآمدها و هزینه‌های دولت مستقیم و غیرمستقیم بر روند کاهش یا افزایش فقر اثر می‌گذارد. پرداخت یارانه از مهمترین سیاست‌های دولت است که در کشور ما به بخش مصرف (کالاهای اساسی) و بخش تولید تعلق می‌گیرد و هر سال سهم چشمگیری از بودجه به آن اختصاص می‌یابد. با این حال پاره‌ای کارشناسان بر این باورند که در ایران پرداخت یارانه‌ها نه تنها باعث کاهش فقر و محرومیت نشده است بلکه به گستردگی آن دامن می‌زند. در میان کالاهای یارانه‌ای می‌توان به روغن، قند و شکر اشاره کرد. آمارها نشان می‌دهد که سرانه مصرف روغن، قند و شکر در کشور بالاتر از سرانه بهداشتی این اقلام است و به مدد پرداخت یارانه، آمار بیماران قلبی و عروقی نیز روزبه‌روز افزایش می‌یابد. یارانه بنزین نیز تاکنون جز مصرف افسارگسیخته آن، آلودگی هوا، تخریب محیط زیست، افزایش بیماری‌های تنفسی و... نتیجه دیگری نداشته است. چنان‌که گفته شد، در ایران به تولید نیز یارانه پرداخت می‌شود. صنایع کشور به گونه‌هایی از انرژی ارزان گرفته تا مواد اولیه یارانه می‌گیرند. برخی از کارشناسان معتقدند که یکی از

کلیدی‌ترین عوامل توسعه نیافتگی کشور پرداخت یارانه از درآمد حاصل از فروش سرمایه‌های ملی در بخش تولید و مصرف است. سیاست‌های اقتصادی کشور بر پایه بهای نفت خام شکل می‌گیرد. نوسان بها و تخصیص نیافتن درست بودجه‌ها نیز تاکنون شکاف میان تهیدستان و توانگران را ژرف‌تر کرده است. به هر رو، ناکارایی نظام کنونی یارانه دهی و گاهی ناعادلانه بودن آن، بارها از سوی کارشناسان مطرح شده است.

واردات

در سالهای اخیر با کاهش سهم تولیدات داخلی، بازارهای کالا و خدمات آکنده از تولیدات خارجی گوناگون شده است. به سخن دیگر، در برابر افزایش تقاضا، نه تنها تولید داخلی افزایش نیافته بلکه با واردات هرچه بیشتر به نیاز متقاضیان پاسخ مثبت داده می‌شود. این روند، به گونه‌ای است که در ۱۳۸۴، ارزش واردات به بیش از ۳۹ میلیارد دلار رسید. در واقع به مدد بالا رفتن بهای نفت و افزایش درآمدهای ناشی از فروش آن می‌توان بازار داخلی را از کالاهای گوناگون وارداتی انباشت. بی‌گمان کاهش بهای نفت نیز محدودیت‌های بسیار پدید می‌آورد که یکی از آنها کاهش اجباری واردات و تورم بالا خواهد بود. گذشته از آن، وارد کردن کالاهای گوناگون، با وجود تشویق شهروندان به مصرف تولیدات داخلی، تعطیلی و رکود کارخانه‌های داخلی را به همراه دارد که یکی از پیامدهای آن افزایش بیکاری کارگران و افزایش فقر و محرومیت در جامعه خواهد بود.

آرمان دوم: دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی

منظور از این هدف برخورداری همه کودکان از آموزش ابتدایی است، به گونه‌ای که تا ۲۰۱۵ میلادی همه کودکان در سن تحصیل، دوره ابتدایی را پشت سر گذاشته باشند. نکته مهم، از میان رفتن هرگونه نگاه جنسیتی، نژادی و طبقاتی در این زمینه است. وضع کشورهای روبه توسعه نشان می‌دهد که نزدیک به ۱۱۴ میلیون کودک در سن تحصیلات ابتدایی به مدرسه نمی‌رود. به سخن دیگر از هر ۵ کودک، یک تن از آموزش ابتدایی بی‌بهره است. این کودکان از خانواده‌های تهیدست هستند و به جای مدرسه، راهی بازار کار می‌شوند. آنان در دوران کودکی با مسائلی همچون خشونت، بزهکاری، کمبودهای عاطفی، سو استفاده‌های جنسی، اعتیاد، فحشا و... آشنا می‌شوند و در بزرگسالی نیز بعنوان خلافکار و مجرم، سلامت، امنیت و آسایش جامعه را تهدید می‌کنند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که اگر امروز کشورهای روبه توسعه دست به کار آموزش و آگاه کردن کودکان خود نشوند، در آینده باید پذیرای آسیب‌های جدی و خطرناکی باشند که بر کل جامعه اثر می‌گذارد.

در آرمان دوم تأکید بر آموزش کودکان خردسال به گونه‌ای است که

اندیشه انتقادی، مهارت رویارویی با مسائل و یافتن راهکارهای و شیوه‌های مؤثر در زمینه ارتباط را بیاموزند و به کار گیرند.

ایران

آمارها گویای آن است که در حوزه آموزش ابتدایی از استانداردهای توسعه هزاره چندان دور نیستیم؛ با این حال کودکان خانواده‌های تهیدست در معرض آسیب‌هایی هستند که «آموزش» آنان را بیش از گذشته ضرور و الزامی می‌کند. این آسیب‌ها با پیش‌زمینه‌های اقتصادی در حوزه‌های فرهنگ و اجتماع، شرایط نامناسبی برای کودکان تهیدست پدید آورده است.

کار کودکان، از مسائلی است که با وجود قوانین گوناگون و گفته‌های مسئولان، هنوز بعنوان یکی از مشکلات بنیادی خانواده‌های تهیدست دیده می‌شود. در بسیاری از کارگاه‌های تولیدی در مناطق مسکونی تهران، با شرایط بهداشتی سخت نامناسب، کودکان بسیاری کار می‌کنند، با این‌همه، در این زمینه نیز آمار دقیقی در دست نیست و کارفرماها از یک‌سو برای فرار از پرداخت مالیات و از سوی دیگر به علت ممنوع بودن کار کودکان در ایران، تاکنون توانسته‌اند ساختمان‌های مخروبه پر از کودکان کارگر را از دید مجریان قانون پنهان دارند. در واقع کار کودکان در ایران «پنهان» مانده است. گزارشها در زمینه شرایط بهداشتی و ایمنی این کارگاه‌ها نشان‌دهنده وضع بسیار بد آنها برای کودکانی است که شبانه‌روز در چنین فضاهایی به سر می‌برند. این کارگاه‌ها فاقد سرویس‌های بهداشتی و امکانات لازم برای زندگی است. سیستم تهویه و نورگیری آنها بسیار نامناسب است و در چنین وضعی کودکانی که از روستاها و شهرهای کوچک آمده‌اند برای دریافت ماهی ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان از ۷ بامداد برای رعایت شدن اصول اخلاقی و حفظ سلامت آنان وجود ندارد. این در حالی است که برپایه قانون کار ایران، سن قانونی کار ۱۸ سال است و ایران تاکنون ۱۲ مقاله‌نامه جهانی در زمینه کار کودک امضا کرده و به عضویت برنامه کاهش کار کودکان (IPEC) در آمده است.

برپایه گزارش سازمان جهانی کار، بیش از ۲۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان کار می‌کنند و بیشتر آنها از دختران زیر ۱۶ سال هستند. کودکان کارگر ایرانی را می‌توان در شهرها در کارگاه‌های تولیدی، قالی‌بافیها، خیابانها، حاشیه مراکز شهری، و در روستاها اگر مهاجرت نکرده باشند، در کشتزارها، باغها، معادن و... یافت. این کودکان هر جا باشند، حتی اگر در کنار کار کردن درس هم بخوانند، در دوران کودکی خود چنان «بزه» و «بزهکاری» را لمس می‌کنند که سرانجام تنها ارزشی را که می‌پذیرند «ضد ارزش بودن» است. پایین آمدن سن اعتیاد و فحشا و شیوع بیماری ایدز در این گروه سنی، لزوم اجرای «آموزش اجتماعی» را بیش از پیش نشان می‌دهد.

مسئله دیگر در حوزه آموزش کودکان، برابری فرصتها و عدالت است. به سخن دیگر، کودکان باید بتوانند بی‌در نظر گرفته شدن جنسیت، پایگاه اجتماعی، نژاد و... به امکانات آموزشی دسترسی یابند؛ ولی از بررسی‌ها چنین برمی‌آید که یکی از عوامل برجسته پدیدآورنده نابرابریها در زمینه دسترسی به فرصتهای آموزشی در ایران، وجود «نابرابری‌های منطقه‌ای» به ویژه در مناطق روستایی است. این وضع حتی در شهرهای بزرگ هم دیده می‌شود؛ یعنی در مناطق فقیرنشین و حاشیه‌ای شهرها شاخص کیفیت آموزشی بسیار پایین‌تر از این شاخص در محله‌های متوسط و مرفه‌نشین است. به سخن دیگر، دانش‌آموزان در مناطق فقیر نه‌تنها سرانه آموزشی پایین‌تری دارند و در کلاس‌های شلوغ و نامناسب درس می‌خوانند بلکه راندمان آموزش آنان نیز در سطح پایینی است. کمبود فضا و امکانات آموزشی به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته یکی از مسائل چشمگیر در حوزه آموزش کودکان و نوجوانان است. با وجود تصویب قانون مقاومت‌سازی مدارس با بافت فرسوده و بازسازی و نوسازی مدارس غیراستاندارد که دولت را مجب از به برداشت ۳ میلیارد و ۹۵۴ میلیون دلار از صندوق ذخیره ارزی کرده تا با قرار دادن این پول در اختیار وزارت آموزش و پرورش کار مدیریت و برنامه‌ریزی برای تخریب و نوسازی ۱۳۱ هزار و ۹۳۵ باب کلاس خطرآفرین و مقاوم‌سازی ۱۲۶ هزار و ۱۰ باب کلاس با بافت فرسوده را آغاز کند، نتیجه این کار هنوز به درستی روشن نشده است. این در حالی است که رقم یادشده تنها برای بازسازی و مقاوم‌سازی کلاس‌های کنونی اختصاص یافته و هیچ درصدی از آن به ساخت کلاس‌های تازه یا خرید مدارس استیجاری مربوط نمی‌شود.

بهبود در وضع آموزش و پرورش عمومی و دوره پیش‌دبستانی تأکید می‌کند. برپایه داده‌های وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ نزدیک به ۶ میلیون کودک دبستانی راهی مدرسه می‌شوند. این کودکان برای آنکه در آینده بتوانند انسانهایی توسعه‌یافته باشند نیازمند آنند که در دوران تحصیل، کار گروهی و چگونگی برخورد با مسائل و راههای از میان برداشتن آنها، مسئولیت‌پذیری در برابر خود و خانواده و اجتماع، از خود گذشتگی، توجه به منافع همگانی و ملی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی را نیز بیاموزند.

آرمان سوم: ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان

منظور از این هدف از میان بردن نابرابری جنسیتی در آموزش ابتدایی و متوسطه تا سال ۲۰۰۵ و در همه سطوح تحصیلی تا سال ۲۰۱۵ است. برپایه گزارشها، در کشورهای روبه‌توسعه ۶۳ میلیون دختر در سن آموزش ابتدایی از آموزش رسمی محرومند. حضور زنان در مجالس قانونگذاری و پست‌های مدیریتی بسیار کم‌رنگ است و تنها در ۹ کشور، از هر سه کرسی پارلمان یک کرسی در اختیار نمایندگان زن قرار دارد.

توجه به نقش توسعه از دهه ۱۹۸۰ در دو حوزه خوراک و جمعیت مطرح شد و پس از چندی برخی از نظریه‌پردازان در زمینه توسعه که آشکارا به حوزه زنان می‌پرداختند، وضع زنان در هر جامعه را یکی از مهمترین نشانه‌های توسعه‌یافتگی در آن جامعه اعلام کردند. از این رو توجه به توانمندسازی زنان به گونه‌ای که بتوانند در روند توسعه‌یافتگی نقش واقعی خود را بازی کنند، بعنوان یکی از اولویتهای در کشورهای رو به توسعه با مسائل گوناگون حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو هستند.

ایران

برپایه شاخص‌های توسعه انسانی، در بخش توسعه جنسیتی، ایران در میان ۱۴۰ کشور جهان در رده ۷۸ است. این در حالی است که بحرین در همین زمینه رتبه ۹۷، ترکیه ۷۰، کویت ۳۹ و عمان رتبه ۶۰ را به خود اختصاص داده‌اند. افزایش شمار دانشجویان دختر در سنجش با دانشجویان پسر همواره از سوی مسئولان بعنوان یکی از نکات برجسته در زمینه رفع تبعیض جنسیتی و بهبود وضع زنان کشور مطرح شده است؛ با این حال بیکاری دختران دانش‌آموخته در مقاطع آموزش عالی و متوسطه یکی از چالشهای جدی به‌شمار می‌رود. آمارها گویای آن است که نرخ بیکاری دختران با تحصیلات عالی در جامعه شهری ۲۸ درصد و با تحصیلات متوسطه در سراسر کشور ۵۰ درصد است. البته باید این نکته را هم در نظر گرفت که این آمارها مربوط به دخترانی است که اجازه کار دارند و به دنبال کار می‌گردند. بررسی نرخ مشارکت زنان در اشتغال کشور در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۰ با روند نزولی از ۱۲/۶ درصد

به گفته یکی از مسئولان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، در حال حاضر ۱۹ هزار و ۶۹۹ ساختمان که ۷۸ هزار و ۹۶۹ کلاس درس را در خود جای داده عمری بیش از ۳۰ سال دارد و ۶۱ هزار و ۵۹۹ مدرسه که ۲۴۶ هزار و ۸۷۸ کلاس درس را پوشش می‌دهد نیز نیازمند مقاوم‌سازی، تخریب یا بازسازی است. همچنین روزانه از ۲۳ هزار واحد آموزشی با ۱۵۰ هزار کلاس درس در دو نوبت بهره‌برداری می‌شود و ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز در نوبت صبح و ۴ میلیون دانش‌آموز در نوبت بعد از ظهر از این فضاها بهره‌مند می‌شوند. به سخن دیگر، برای ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز، ۲۳ هزار فضائی آموزشی وجود دارد که اگر تنها در یک نوبت از آنها بهره‌برداری شود شمار کنونی مدارس کشور باید ۴۰ درصد افزایش یابد. نکته مهم این است که بیشتر این مدارس فرسوده و رو به فروریزی است. از سوی دیگر برپایه گزارش رسمی وزارت آموزش و پرورش در ۱۳۸۳، نزدیک به یک میلیون دانش‌آموز ایرانی مردود شده‌اند. کارشناسان بر این باورند که اگر سرانه مستقیم دولتی را در یک سال ۲۴۰ هزار تومان در نظر بگیریم، برای مردود شدن یک میلیون دانش‌آموز ایرانی نیز یک میلیون سال عمر و صدها میلیارد تومان هزینه خانوار در یک سال تحصیلی به هدر رفته است. این موارد تنهای بخشی از پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی نظام آموزشی کنونی به‌شمار می‌آید. برپایه پژوهشها، بهبود آموزش در مقطع ابتدایی موجب توزیع متعادل و برابر درآمد و کاهش فقر می‌شود. رمز موفقیت بسیاری از کشورهای روبه‌توسعه مانند کره، سنگاپور و مالزی، توجه به نقش پراهمیت آموزش به ویژه آموزش ابتدایی در این کشورهاست. آموزش بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد و نقش بسیار پررنگی در کاهش نابرابری‌های اقتصادی دارد.

نکته مهم دیگر در نظام آموزشی کشور، نبود روحیه مسئولیت‌پذیری و همکاری در نظام آموزشی است. کودکان در مدارس نه تنها با کار گروهی، همکاری و مشارکت آشنا نمی‌شوند، بلکه در دوران تحصیل «برای خود بودن» و «حفظ منافع فردی» را بهتر از همکاری و همیاری می‌آموزند. همچنین روحیه پژوهش و رعایت اصول برجسته آن همچون مستندسازی و امانت‌داری در بهره‌گیری از منابع گوناگون هرچند به شکل صوری و ظاهری در چارچوب پژوهشها در طول دوران تحصیل وجود دارد، ولی هیچ‌گاه به‌گونه جدی از سوی مسئولان مدرسه و آموزگاران مورد تأکید قرار نمی‌گیرد و نسخه‌برداری صرف از کتابها و منابع گوناگون، در ذهن کودک جانشین پژوهش می‌شود. توسعه در ایران در گرو دگرگون شدن آموزش عمومی است و در این میان کودکان جایگاه ویژه‌ای دارند. در سند ملی توسعه آموزش و پرورش در برنامه چهارم، این نکته مورد توجه قرار گرفته است. این سند آشکارا بر بهبود بهره‌وری منابع و افزایش سرمایه‌گذاری دولتی برای تأمین امکانات آموزشی و افزایش پوشش تحصیلی و بر توسعه و

به ۹ درصد کاهش یافته و تنها در سالهای اخیر به ۱۴ درصد رسیده است.

بیشترین میزان کاهش نرخ مشارکت زنان در اشتغال مربوط به ۱۳۶۵ و بخش صنعت است. از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵، هر سال ۲۴ هزار زن از این بخش کنار گذاشته شده‌اند. برپایه گزارش سازمان ملل متحد، ایران چهارمین نرخ پایین درآمد زنان نسبت به مردان را در جهان دارد. میانگین درآمد زنان ایرانی نسبت به مردان ۲۸ درصد است. هرچند آمارهای دقیقی از سهم زنان در نیروی کار و سهم آنان در زمینه مشارکت اقتصادی در دست نیست و تعیین وضع اشتغال زنان ایرانی به دلایلی قومی، فرهنگی و اجتماعی، نبود ابزارهای مناسب برای احتساب اشتغال زنان در واحدهای کوچک و سنتی و حذف اشتغال خانگی زنان روستایی در تولیدات و صنایع دستی از آمارهای رسمی وجود ندارد، ولی برپایه اطلاعات موجود سهم زنان شاغل در بخش عمومی هیچ‌گاه از ۱۶/۴ درصد فراتر نرفته است و درحالی‌که برای مردان بیش از ۳۶ گروه شغلی وجود دارد، برای زنان شهری تنها ۱۰ گروه شغلی و برای زنان روستایی ۶ گروه شغلی موجود است.

یکی از مشکلات برجسته در راه حضور جدی زنان در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و... باورهای فرهنگی و وضع نامناسب اقتصادی است. در برخی از مناطق کشور همچون سیستان و بلوچستان، چه‌بسا زنانی که به علت فقر اقتصادی، درگیر ازدواج غیررسمی می‌شوند که پیامدهای اجتماعی ناگوار برای آنان و کودکانشان دارد؛ چه بسیار کودکانی که به علت نداشتن شناسنامه از تحصیل و دیگر حقوق اجتماعی محرومند و همراه مادرانشان در شرایط بسیار نامساعد اقتصادی به‌سر می‌برند. زنان نزدیک به ۹ درصد خانوارهای کشور را سرپرستی می‌کنند. تراکم معنی داری در این زمینه در شرق کشور دیده می‌شود و ۳۷ درصد زنان در شمار تهیدست‌ترین شهروندان هستند و در دو دهک پایین درآمدی قرار می‌گیرند. خشونت خانگی در مورد زنان را می‌توان از دیگر چالشها در زمینه برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان دانست. برپایه آمارهای در دسترس، نزدیک به ۶۶ درصد از زنان در کشور خشونت خانگی را تحمل می‌کنند و ۶۴ درصد آنان ازدواج تحمیلی را در کارنامه خود دارند. گرچه خشونت خانگی در مورد زنان در همه کشورهای جهان وجود دارد، ولی در کشورهای رو به توسعه، کمبود یا نارسایی قوانینی که از زنان پشتیبانی کند، مسئله را پیچیده‌تر کرده است.

در شیلی ۶۳ درصد زنان آزار جنسی می‌شوند؛ ۴۱ درصد زنان هندی بر اثر آزار جسمی شوهران خود دست به خودکشی می‌زنند، و در بنگلادش بیش از ۵۰ درصد قتل‌ها برآمده از خشونت مردان است. بر سر هم زنان در بسیاری از کشورهای روبه‌توسعه در زندگی خود کمابیش چهارگونه خشونت فیزیکی، روانی، اقتصادی و جنسی را تحمل می‌کنند. در طول سال‌های گذشته، یکی از موضوعاتی که هرازگاه مطرح شده، پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله «کنوانسیون منع تبعیض در مورد زنان» و «سند یکن» بوده است. کنوانسیون رفع تبعیض در مورد زنان تاکنون مورد پذیرش بیشتر کشورهای مسلمان قرار گرفته است.

آرمان چهارم: کاهش میزان مرگ‌ومیر کودکان

برپایه این هدف، مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در کشورهای رو به توسعه تا ۲۰۱۵ میلادی باید به میزان دوسوم کاهش یابد.

وضع کنونی کشورهای رو به توسعه نشان می‌دهد که هر سال نزدیک به ۱۱ میلیون کودک زیر ۵ سال به عللی که قابل پیشگیری یا درمان است جان خود را از دست می‌دهند. بیشترین مرگ‌ومیر کودکان در مناطق محروم و در میان خانواده‌های تهیدست دیده می‌شود. پژوهشها در این زمینه گویای دست به‌گریبان بودن کودکان با فقر و محرومیت است. این آمارها از وجود یک میلیارد کودک فقیر در سراسر جهان، یا از هر دو کودک یک تن، سخن می‌گوید. برپایه آمارهای صندوق سازمان ملل متحد برای حمایت از کودکان، یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون کودک در کشورهای رو به توسعه زندگی می‌کنند که ۶۴۰ میلیون تن از آنان سرپرده ندارند و ۴۰۰ میلیون کودک از آب آشامیدنی و ۲۷۰ میلیون کودک از خدمات بهداشتی بی‌بهره‌اند. در برخی از کشورهای توسعه‌نیافته نیز گذشته از نبود امکانات بهداشتی و رفاهی، جنگ و درگیری‌های داخلی عامل مهم مرگ‌ومیر کودکان است. در میان این کشورها می‌توان از کنگو یاد

کرد که در سال گذشته از سو استفاده، تجاوز و خشونت، آمار هولناکی نیز از مرگ کودکان جنگ‌زده گزارش شده است. از ۲۰ کشور توسعه‌نیافته، ۱۶ کشور در ۱۵ سال گذشته درگیر جنگ داخلی بوده‌اند که یکی از پیامدهای آن مرگومیر کودکان بوده است. در سال ۲۰۰۳ میلادی بیش از ۱۰ میلیون کودک در سراسر جهان پیش از رسیدن به پنج سالگی جان خود را از دست داده‌اند. بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار کودک قاچاق شده‌اند و شمار کودکانی که به ورطه فحشا و استثمار جنسی افتاده‌اند به بیش از ۲ میلیون تن در آن سال رسیده است.

ایران

پژوهشهای انجام‌شده نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته، برای هر ۷۵۰ کودک دانش‌آموز یک مرتب‌بهداشت موردنیاز است تا بتوانند استانداردهای بهداشتی و سلامت را عملی کنند. در ایران از کمابیش ۲۵ سال پیش تاکنون به علت ناهماهنگی وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و درمان، اجرای طرح مرتب‌بهداشت فراموش شده است. هم‌اکنون کشور ما به کمابیش ۲۰ هزار مرتب‌بهداشت نیاز دارد. حضور این مرتب‌بهداشت به ویژه در مدارس دخترانه و نظارت آنان بر مسایل و مشکلات جسمی و جنسی دانش‌آموزان را باید از الزامات توسعه پایدار به‌شمار آورد.

برپایه پژوهشهای صندوق سازمان ملل متحد برای حمایت از کودکان، بیش از ۵۰۰ هزار کودک ایرانی از گرسنگی شدید رنج می‌برند و بیش از یک میلیون کودک زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این کودکان به علت تهیدستی خانواده از سرپناه، آموزش و خوراک مناسب بی‌بهره‌اند و نیازهای روانی و عاطفی‌شان هم به‌خوبی برآورده نمی‌شود. بدی تغذیه و نبود امکانات بهداشتی در استانهای محروم مانند سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و هرمزگان، برخوردار نبودن دختران و پسران از فرصت‌های برابر در زمینه آموزش، شمار چشمگیر موارد ترک تحصیل دختران در مقطع ابتدایی، در کنار پدیده زشت کودک‌آزاری و بهره‌کشی از کودکان را باید از موانع مهم در راه توسعه پایدار انسانی در کشور دانست.

کوتاهی قد که شاخصی برای توسعه‌نیافتگی است و ریشه در بدی تغذیه دارد، گریبان‌گیر ۲۱ درصد از کودکان روستایی و ۱۱ درصد از کودکان شهری است. برپایه آمارها، نزدیک به ۶ درصد از دانش‌آموزان ایرانی به شپش آلوده‌اند و این آلودگی انگلی پس از عفونت لوزه، دومین مشکل شایع در مدارس شناخته شده است که می‌تواند معلول پایین بودن سطح آگاهی و سواد خانواده‌ها از یک‌سو و بود مراقبتهای بهداشتی در مدارس ازسوی دیگر باشد. استانهای مهاجرپذیر، مناطق توسعه‌نیافته و پیرامونی شهرها بیشترین آمادگی را برای پذیرش و شیوع بیماری در میان کودکان دارند. برپایه گزارش وزارت بهداشت و درمان استانهای سیستان و بلوچستان، خوزستان و هرمزگان در این زمینه بالاترین آلودگی (۱۳ درصد) را داشته‌اند.

ازسوی دیگر، آمارهای رسمی از وجود ۲۰ هزار کودک خیابانی در ایران و منابع غیردولتی از حضور نزدیک به ۳۵ هزار کودک خیابانی تنها در شهر تهران سخن می‌گویند. ابعاد و چهره‌های گوناگون «کار خانگی» که از نگاه متولیان قانون پنهان مانده، از دیگر عواملی است که کودکان را به سوی زندگی نامناسب و چه‌بسا مرگ می‌راند. مواد مخدر نیز از بلاهای سهمگینی است که کودکان ایرانی را تهدید می‌کند. کاهش سن اعتیاد و رواج مواد مخدر صنعتی میزان اعتیاد میان کودکان و نوجوانان را به‌گونه‌ای افزایش داده است که بررسیهای پراکنده‌ای که در نبود پژوهشهای رسمی و مستدل انجام شده است، نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از دانش‌آموزان مورد بررسی از میان بیش از یک هزار دانش‌آموز در ۹ منطقه آموزش و پرورش تهران به مواد مخدر گرایش دارند.

شاخص مرگومیر کودکان در سطح استانی نشان می‌دهد که سیستان و بلوچستان با ۳۷/۳ در هزار تولد زنده بالاترین میزان و تهران، کاشان، قم و بابل به ترتیب با ۶/۴، ۷/۲، ۹/۸ و ۹/۸ در هزار تولد زنده کمترین میزان را داشته‌اند. همچنین میزان مرگومیر کودکان زیر ۵ سال در هر هزار تولد زنده در مناطق روستایی زیر پوشش در ۱۳۸۲، ۲۹/۷ بوده که در سنجد با ۱۳۷۲ با رقم ۴۶/۳، نزدیک به ۱۶/۶ در هزار تولد زنده بالاترین و تهران، قم و کاشان به ترتیب با ۷/۸، ۱۰/۸ و ۱۱/۷ درصد کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. بر سر هم این وضع در استانهای کشور متفاوت و در سیستان و بلوچستان، خوزستان، اردبیل و... این آمارها بسیار بالاست.

به گفته نماینده سازمان جهانی بهداشت (WHO) با وجود تلاش دولت‌ها در اجرای برنامه‌های بهداشت و وضع رو به

بهبود کشور در زمینه بهداشت، وجود فرهنگهای ویژه در مناطق گوناگون، از دیگر عوامل درست اجرا نشدن سیاست های دولتی است.

بر پایه گفته های رئیس صندوق حمایت از کودکان یونسف، نزدیک به ۱۱ درصد کودکان ایرانی همچنان کم وزنند و در بخشهایی از ایران از هر ۴ کودک یکی دچار بدی تغذیه است. او بر لزوم اقدامات سیاسی و اجتماعی برای مبارزه با بدی تغذیه انگشت می گذارد و تنها چاره این معضل را تلاش مشترک و سازمان یافته نهادهای مسئول تندرستی و بهداشت، فراهم آوردن آب سالم و بهداشتی، آموزش، افزایش مراقبتها در دوران کودکی و برپا کردن مراکز نگهداری از کودکان خردسال می داند. با این حال وی معتقد است که با وجود تمرکز نیمی از کودکان گرفتار بدی تغذیه در سیستان و بلوچستان، خراسان، هرمزگان، فارس و کرمان، ایران چارچوبی روشن برای اقدامات لازم ندارد.

آرمان پنجم: بهبود بهداشت مادران

منظور از این هدف کاهش سه چهارم شمار زنانی است که به هنگام زایمان می میرند و زمان تحقق یافتن این هدف نیز سال ۲۰۱۵ میلادی تعیین شده است.

در مناطق توسعه نیافته، هر سال نزدیک به ۵۰۰ هزار زن یعنی یک تن در هر دقیقه در دوران بارداری یا به هنگام زایمان جان خود را از دست می دهند.

داده ها گویای آن است که در جنوب صحرای آفریقا، از هر ۱۶ زن یک تن در زندگی خود با خطر مرگ به هنگام زایمان روبه روست. این نسبت در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب به یک در ۱۶۰، در آسیای خاوری به یک در ۸۴۰ و در کشورهای توسعه یافته به یک در ۲۸۰۰ تن می رسد.

بر پایه گزارشهای بین المللی، ۴۴ درصد مرگومیر مادران در جهان در نتیجه سقط جنین غیربهداشتی و ناسالم در کشورهای آفریقایی روی می دهد. سالانه بیش از ۴ میلیون سقط جنین ناسالم در آفریقا انجام می شود و بالاترین ارقام مرگومیر مادران مربوط به نیجریه یعنی پرجمعیت ترین کشور آفریقایی است. بیشتر موارد سقط جنین در این قاره در شرایط ناسالم و غیربهداشتی صورت می گیرد که بیش از ۱۴۰ هزار مورد آنها مربوط به بستری شدن زنان باردار در بیمارستان به علت بروز ناراحتی ها و مشکلات در دوران بارداری و زایمان است.

مرگومیر مادران یکی از مهمترین شاخص ها برای ارزیابی تندرستی مادران در یک جامعه شمرده می شود.

ایران

تأمین مواد خوراکی مورد نیاز بدن به ویژه برای مادران و زنان، اهمیت بسیار دارد. یک بررسی ملی در زمینه وضع تغذیه در ۱۳۸۱ نشان می دهد که ۴۰ درصد زنان باردار دچار کمبود آهن و ۴۴ درصد گرفتار

کمبود روی هستند. از این رو رفع کمبود مواد خوراکی لازم برای زنان و به ویژه زنان باردار نیازمند توجه بیشتر است.

بی گمان بهبود وضع بهداشتی مادران تنها در گرو عرضه شدن خدمات بهداشتی نیست، بلکه با عوامل دیگری مانند کاهش میزان باروری در کشور، افزایش سواد زنان، دسترسی به درمانهای تخصصی، دسترسی به خدمات بهداشتی اولیه، تربیت کارکنان بهداشتی و فراهم بودن امکانات رفاهی نیز پیوند نزدیک دارد.

بررسی در زمینه دگرگونی سیمای تندرستی که نتایج آن در ۱۳۸۴ از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتشر شد، گویای آن است که مرگومیر مادران بر اثر عوارض بارداری و زایمان در روستاها بسیار کاهش یافته است، ولی همین مقدار نیز نشان می دهد که فراوانی آن در برخی از شهرستانها برابر با فراوانی زایمانهایی است که به دست افراد بی بهره از تخصص انجام می گیرد. در واقع، تهیدستی و نارسایی ها در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی را می توان از عوامل مهم مرگومیر مادران هر چند به گونه محدود دانست. از دیگر عواملی که زمینه ساز افزایش خطرها برای تندرستی و بهداشت مادران و زنان به شمار می آید، کاهش سن ازدواج در کشور است. در برخی از شهرها و روستاها، شمار مادران زیر ۵۱ سال کم نیست. این ازدواجها که در بیشتر موارد برای دختران ناخواسته و تحمیلی است، از فقر به معنای گسترده آن بر می خیزد که از فقر درآمدی تا فقر آموزشی را در بر می گیرد. بی گمان بارداری های پی در پی همراه با فقر اقتصادی و فرهنگی، زندگی و تندرستی مادران و فرزندان را به یک اندازه تهدید می کند.

نکته مهم دیگر، پیوند نزدیک میزان باروری کلی با نسبت بی سوادی است. از این رو گسترش آموزشهای عمومی و افزایش آگاهی های زنان و دختران و دیگر افراد جامعه می تواند نقشی مهم در کاهش مشکلات مادران داشته باشد.

پدیده های دیگری همچون دختران فراری، زنان خیابانی، کاهش سن فحشا و... که مسائلی همچون بارداری های ناخواسته، سقط جنین غیرقانونی، گسترش بیماری های آمیزشی، خودکشی، افسردگی و... را به دنبال دارد و از همه مهم تر نبود آمارهای دقیق و رسمی که در شکل کنونی خود گاه تفاوت هایی چشمگیر با آمارهای پژوهشگران غیردولتی دارد، از مواردی است که بر تندرستی و بهداشت زنان و دختران اثرگذار است.

آرمان ششم: مبارزه با ویروس ایدز، مالاریا و دیگر بیماری های واگیر

جلوگیری از روند رو به گسترش ایدز، و مالاریا و کاهش شمار مبتلایان به ویروس بیماری های واگیر تا ۲۰۱۵، از مهمترین ه دفها در چارچوب آرمان ششم است.

داده‌اند و ۱/۲ میلیون تن به این بیماری آلوده‌اند. در زمینه بیماری ایدز، یکی دیگر از مسائل نگران‌کننده، روند رو به گسترش آن در میان جوانان در کشورهای روبه‌توسعه است، به‌گونه‌ای که بیش از ۶۰ درصد از بیماران در تایلند و ویتنام در این گروه سنی قرار دارند. در گزارشی که کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل درباره آسیا و اقیانوسیه منتشر کرده آمده است که نیمی از کسانی که در این منطقه به‌تازگی بیمار شده‌اند، جوانان هستند. برپایه این گزارش فقر، تبعیض جنسیتی و نبود دسترسی به اطلاعات و خدمات بهداشتی جوانان را آماده پذیرش این بیماری کرده است. زنان نیز از گروه‌هایی هستند که خطر ابتلا به بیماری آنان را سخت تهدید می‌کند. آمارهای گویای آن است که امروزه کمابیش ۵۰ درصد از کسانی که به‌تازگی به ایدز مبتلا می‌شوند، زنان و دخترانند. این رقم در آفریقا به ۶۰ درصد می‌رسد. بسیاری از فعالان در حوزه پیشگیری و مبارزه با «اچ‌آی‌وی»، توافقی بین المللی موجود را به علت نادیده گرفتن زنان روسپی، معتادان تزریقی و حوزه روابط مردان با مردان ناکافی ارزیابی می‌کنند. مالاریا نیز از بیماری‌هایی است که هنوز در کشورهای رو به توسعه قربانی می‌گیرد. در مناطقی از نپال و تانزانیا مواردی تأیید شده از مبتلایان به این بیماری دیده می‌شود. به گفته کارشناسان، کودکان و زنان باردار بیش از نیمی از مبتلایان در تانزانیا را تشکیل می‌دهند و در این کشور زنجیره ناشناخته‌ای از این بیماری در دو منطقه آغاز شده است. برپایه این گزارش محلی، شمار مبتلایان به مالاریا در میان کودکان زیر ۵ سال از ۶۵۰ مورد ثبت شده در اوایل سال میلادی به ۸۳۲ مورد در ماههای اخیر رسیده است و در کنار دو بیماری ایدز و سل، مالاریا سومین بیماری کشنده در این کشور شناخته می‌شود. برپایه داده‌ها به‌گونه میانگین سالانه ۱۰۰ هزار تن در تانزانیا جان خود را بر اثر این بیماری از دست می‌دهند که ۷۰ هزار تن از آنان کودکان زیر ۵ سال هستند.

ایران

برپایه گزارش اداره ایدز در وزارت بهداشت و درمان، تا اول مهر ۱۳۸۴ شمار بیماران آلوده به HIV نسبت به سال پیش از آن ۵/۲ درصد افزایش داشته است. در همین سال، در شش ماه (تیر-دی ۸۴) شمال مبتلایان به ایدز ۱۱/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. هم‌اکنون میزان آلودگی به HIV در میان معتادان تزریقی (بیش از ۱۸ درصد مبتلایان شناخته شده) از ۵ تا ۲۵ درصد پیش‌بینی می‌شود. شوربختانه در زمینه بیماری ایدز نمی‌توان آمارهایی دقیق به دست داد و آمارهای ناقص گویای نیاز به دگرگونی نگرشها و باورهای عمومی در مورد این بیماری است. با این حال آمارهای در دسترس نشان‌دهند افزایش شمار نوزادان آلوده به HIV است که از راه مادران خود آلوده شده‌اند و در صورت ادامه یافتن این روند، پیش‌بینی می‌شود که با

درحالی‌که ۲۵ سال از کشف ویروس ایدز می‌گذرد، در این مدت ۲۵ میلیون تن جان خود را بر اثر این بیماری از دست داده‌اند و ۱۵ میلیون نوزاد به این ویروس آلوده شده‌اند. امروزه نزدیک به ۴۰ میلیون تن به ویروس HIV آلوده‌اند و بالاترین آمارهای بیماری ایدز به سال ۲۰۰۵ هزار تن از آنان به امکانات دارویی دسترسی داشته‌اند. برپایه گزارشهای بین‌المللی، نیمی از آلوده‌شدگان در سالهای اخیر کمتر از ۲۵ سال دارند و از ۴۰ میلیون مبتلا به این ویروس، نزدیک به ۶۰ درصد در آفریقا زندگی می‌کنند. این گزارشها گویای آن است که ۱۵ میلیون کودک در جهان پدر، مادر یا هر دو را بر اثر ایدز از دست داده‌اند. هر روز ۸ هزار تن در جهان بر اثر این بیماری می‌میرند و ۱۴ هزار تن به آن آلوده می‌شوند. از هر پنج بیمار یک تن زیر خط فقر یا در خانواده کم‌درآمد زندگی می‌کند. با اینکه سالانه ۸ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای پیشگیری و درمان این بیماری در نظر گرفته شده است، سازمان ملل اختصاص یافتن دستکم ۱۰ میلیارد دلار را پیشنهاد کرده است. همچنین، اجرای سیاستهای مبارزه با ایدز چندین موفق ارزیابی نمی‌شود. به گفته «پیتیر پایوت» مدیر اجرایی دفتر پیشگیری و مبارزه با ایدز در سازمان ملل متحد (UN-AIDS) تا ۱۰ سال پیش در آسیای مرکزی اثری از این ویروس نبوده، ولی به علت نبود سیاستهای دقیق و پیشگیرانه، این بیماری در منطقه یادشده سخت رو به گسترش است. یک مسئول سازمان ملل هشدار داده است که اگر دولتها در منطقه آسیا-اقیانوس آرام دست به اقدامات جدی نزنند ممکن است در کمتر از ۴ سال ۱۲۱ میلیون تن در این منطقه به ویروس «اچ‌آی‌وی» که عامل بیماری ایدز است، آلوده شوند. مدیر نهاد مبارزه با ایدز در سازمان ملل معتقد است که در کشورهایی مانند چین، اندونزی، مالزی، میانمار و ویتنام دستکم ۷۰ درصد از موارد انتقال ویروس ایدز به علت تزریق مواد مخدر است و کشورهای دیگری مانند بنگلادش، هند، نپال و پاکستان در آستانه همه‌گیر شدن کاربرد تزریقی مواد مخدر قرار دارند. برپایه برآورد UNAIDS، از ۸/۳ میلیون بیماری که در سال گذشته در منطقه آسیا-اقیانوس آرام حامل ویروس ایدز بوده‌اند، بیش از یک میلیون تن بر اثر تزریق مواد مخدر آلوده شده‌اند. این وضع باعث شده است که پاره‌ای از کشورها مانند هند داروهای ضد بازگشت ویروس برای درمان ایدز را رایگان تا سال ۲۰۰۷ میان بیماران توزیع کنند. برپایه آخرین آمارهای دفتر مبارزه با ایدز در سازمان ملل، هند بیشترین شمار بیماران ایدزی را در جهان دارد و با ۵/۷ میلیون بیمار ایدزی، از آفریقای جنوبی با ۵/۵ میلیون بیمار پیشی گرفته است. از سوی دیگر بررسیها نشان می‌دهد که در زامبیا نیز بیش از یک میلیون تن در دو دهه گذشته بر اثر بیماری‌های ناشی از ایدز جان خود را از دست

بیماری را ۱۳ هزار و ۳۱۷ مورد اعلام کرده و در مورد روند رو به رشد بیماری ایدز در ایران هشدار داده است.

آرمان هفتم: تضمین پایداری محیط زیست

منظور از این هدف، قرار دادن اصول توسعه پایدار در سیاستها و برنامه‌های کشورها و جلوگیری از تخریب منابع محیط زیست است. کاهش نسبت مردمان محروم از آب آشامیدنی تا سال ۲۰۱۵ و بهبود چشمگیر شرایط زندگی دستکم ۱۰۰ میلیون زاغه‌نشین تا سال ۲۰۲۰ از دیگر هدفها در چارچوب این آرمان به شمار می‌آید.

در کشورهای روبه توسعه، روند تخریب محیط زیست بسیار شتاب گرفته است به گونه‌ای که در سراسر جهان بیش از دو میلیارد تن از بهداشت کافی و بیش از یک میلیارد تن از منابع سالم آب بی‌بهره‌اند. نهادهای زیست‌محیطی در برخی از کشورهای روبه توسعه سخت فعال شده‌اند تا بتوانند از فاجعه‌های پیش‌رو، جلوگیری کنند. این فعالیتها در حوزه‌های رویارویی با خطرهای زیست‌محیطی مانند آبخیزی، بیابان‌شوی زمین، آلودگی هوا و آب متمرکز است. همچنین، جلوگیری از خطرهای بسیاری که حیوانات نادر و کمیاب را در این کشورها تهدید می‌کند، از دیگر حوزه‌های کاری نهادهای زیست‌محیطی شمرده می‌شود.

ایران

برپایه گزارش بانک جهانی، سالانه ۱۲۵ هزار هکتار جنگل در ایران نابود می‌شود و از سوی دیگر به گزارش سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی (فائو)، ایران با تولید یک میلیون متر مکعب چوب صنعتی از جنگلهای خود شانزدهمین تولیدکننده این گونه چوب در آسیا است. در کنار این آمارها، روند تخریب جنگلها گسترش می‌یابد. از یک سو به علت کمبود مواد سوختی سالانه ۶۰۰ هزار هکتار از مراتع کشور از میان می‌رود و از سوی دیگر به دنبال زندگی ۷۵ هزار خانوار در جنگلها گسترش می‌یابد. از یک سو به علت کمبود مواد سوختی سالانه ۶۰۰ هزار هکتار از مراتع کشور از میان می‌رود و از سوی دیگر به دنبال زندگی ۷۵ هزار خانوار در جنگلهای شمال کشور هر سال ۱۳ هزار هکتار جنگل نابود می‌شود. تراکم جمعیت در شمال کشور به ساخت‌وساز در کرانه‌های دریای مازندران انجامیده است. برپایه تازه‌ترین اطلاعات، روزانه ۱/۵ تن زباله بیمارستانی و دو هزار لیتر فاضلاب و پساب بیمارستانی و دو هزار لیتر فاضلاب و پساب بیمارستانی به محیطهای طبیعی استان مازندران سرازیر می‌شود که گذشته از مشکلات موجود برای دفن مناسب زباله به علت نبود سازمانهای تفکیک‌کننده زباله و تکنولوژی بازیافت آنها، گسترش بیماریهای گوناگون را در پی دارد. سالانه ۱۴ هزار هکتار از عرصه‌های جنگلی کشور پوشش خود را از دست می‌دهد یا تغییر کاربری می‌یابد و این روند همچنان با افزایش سالانه روبه‌روست. در کنار همه عوامل یادشده، چرای روزافزون دستکم ۶ میلیون دام در

۱۷۰۰ مادر باردار آلوده به HIV روبه‌رو باشیم که می‌تواند آلودگی جنین را تا ۳۰ درصد افزایش دهد. رعایت کردن روشهای پیشگیری از آلودگی جنین و همچنین شیوه‌های پیشگیری برای زنانی که همسران آلوده دارند، از راههای رویارویی با این معضل است که خود در گرو گسترش آموزشهای عمومی است.

پارهای از بررسیها گویای دگرگونی در سمت‌وسوی الگوی گسترش ایدز در کشور است. تا چندی پیش بحث اعتیاد تزریقی و به کار گرفته شدن سرنگ مشترک در حوزه این بیماری، همواره مطرح بود، ولی در سالهای اخیر گسترش ایدز در ایران از راه آمیزش جنسی رشد فزاینده داشته و این در حالی است که برپایه گزارش دفتر جمعیت و تنظیم خانواده در وزارت بهداشت ۲۸ درصد جوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله ایرانی تجربه جنسی دارند و ۵۰ درصد از این جوانان از ابزارها و داروهای پیشگیرانه بهره نمی‌گیرند و تأسف‌بارتر آنکه بیشتر آنان اطلاعات روشنی درباره این بیماری ندارند و در زندگی خود مجال نمی‌یابند که مهارتهای زندگی و از جمله روابط جنسی را به شیوه‌های درست بیاموزند. بدین سان گزافه نیست اگر خلاً آموزشی در زمینه بیماری ایدز را یکی از مهمترین چالشهای پیش روی مسئولان بدانیم زیرا این خلاً «تابو» دانستن این بیماری، آنرا از حوزه بحث عمومی و آموزش خارج می‌کند و تنها به پاک شدن صورت مسئله می‌انجامد.

آموزش مهارتهای زندگی در رویارویی با پدیده‌های دیگر همچون اعتیاد، روسپی‌گری، فرار دختران و... بسیار اهمیت دارد. ایران در چهارراه ترانزیت بخش بزرگی از مواد مخدر جهان قرار دارد. از این رو آموزش جوانان برای ایمن‌سازی آنان یکی از ضروریترین راههای حفظ جامعه است. برپایه آمارهای دولتی بیش از ۲ میلیون معتاد در ایران وجود دارد که ۱۷۵ هزار تن هروئینی تزریقی، ۴۰۰ هزار تن هروئینی تدریجی و یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن معتاد به تریاک هستند. بررسیها و پژوهش‌های دیگری گویای گسترش بیماری ایدز در زندانهای کشور است که «مثلث اعتیاد، رفتار جنسی پر خطر و ایدز» را می‌سازد. به گفته نماینده سازمان جهانی بهداشت در ایران، گرچه برپایه برنامه‌های گوناگون بیماری‌هایی مانند سل و مالاریا در بسیاری از استانها مهار شده و تنها در شمار اندکی از مناطق که جمعیت پراکنده دارند دیده می‌شود، ایدز به یک منطقه بستگی ندارد و می‌تواند در همه لایه‌های جامعه دیده شود. مسائلی مانند فقر و بیکاری به افزایش آن در کشور دامن می‌زند و در حال حاضر جوانان، کودکان و زنان از گروه‌های پر خطر به‌شمار می‌آیند. این مسئله در استانهای کمتر توسعه‌یافته به علت مشکلات فرهنگی و کمبود امکانات بیش از پیش به چشم می‌خورد و همین عوامل، ایدز را از دیگر بیماری‌ها متفاوت ساخته است. برپایه آخرین اطلاعات، در سه ماهه نخست سال گذشته ۳۱۷ مورد تازه بیماری ایدز ثبت شده و کمیته کشوری مبارزه با ایدز مبتلایان به این

آلودگی شدید آب، خاک و هوا را به دنبال دارد. افزایش تولید زباله‌های شهری به‌گونه‌ای است که در برخی از شهرها مانند ساری، از بحران زباله سخن می‌رود. در برخی از شهرها و استانهای ساحلی کشور نیز به علت بالا بودن سطح آبهای زیرزمینی، روش نادرست دفن زباله و... منابع آبی با شتاب آلوده می‌شود که فرجام آن آلودگی آبهای سطحی، سفره‌های آب زیرزمینی و رودخانه‌ها است؛ درحالی‌که بازیافت زباله در کشورهای توسعه‌یافته هم عامل اشتغال و هم عامل تولید غیرعفونی هزینه‌های سنگینی به دوش کشور می‌گذارد و در تهران روزانه ۰۵۵ تن کاغذ باطله با زباله‌ها دفن می‌شود و این یکی از پیامدهای بریده شدن نسنجیده درختان جنگلی است.

منابع آبی کشور را باید از آلوده‌ترین منابع دانست. برپایه آخرین بررسی‌های انجام‌شده، هرچه زودتر باید به ۹ رودخانه بزرگ کشور یعنی سفیدرود، کرخه، سیمینه رود، زرینرود، حله، گرگان‌رود، هرات و دو رودخانه بین‌المللی اترک و ارس پرداخت و با نصب ایستگاههای پالاینده در آنها، طرح جامع کاهش آلودگی رودخانه‌های مهم کشور را به اجرا درآورد.

در این میان باید از سپیدرود بعنوان آلوده‌ترین رودخانه کشور یاد کرد. در ۱۳۸۴ یک هزار و ۸۴۰ تن نیترات و فسفات به دریای مازندران سرازیر شده و تخلیه بیش از ۱۵ تن انواع حشره‌کش و سموم کشاورزی، بر سر هم عنوان آلوده‌ترین رودخانه کشور و آلوده‌ترین ساحل را به سپیدرود و دریای مازندران داده است. در جنوب کشور نیز رودخانه‌های حوزه خلیج فارس سخت آلوده است. برپایه داده‌ها در ۱۳۸۰ استان خوزستان بیشترین فاضلاب صنعتی آلوده‌کننده را داشته است و ۳۶ درصد کارگاهها و کارخانه‌ها و فاضلاب صنعتی خود را به رودخانه‌های کارون و «دز» ریخته‌اند. هر سال ۲۵ هزار کشتی نفت‌کش در خلیج فارس رفت‌وآمد می‌کنند و نزدیک به ۲ میلیون بشکه نفت خام به داخل آنها می‌ریزد. بر سر هم درصد آلودگی بیشتر رودخانه‌های کشور از ۷۰ تا ۱۰۰ درصد برآورد شده است.

ساخت‌وسازهای غیرمجاز از دیگر عوامل تهدیدکننده منابع آب به شمار می‌رود. به گفته مدیر کل محیط زیست استان تهران، ساخت‌وسازهای غیرمجاز در کنار جاجرو و سد لتیان که نزدیک به یک‌سوم آب آشامیدنی تهران را تأمین می‌کند، موجب تهدید منابع آبی پایتخت می‌شود. از سوی دیگر دستکاری در زیستگاههای حیات وحش نیز گذشته از ایجاد نامنی برای آنها موجب بروز مشکلاتی در کوچهای زمستانی و تابستانی می‌شود.

آلودگی هوای بیشتر شهرهای بزرگ کشور نیز از موانع تضمین پایداری محیط زیست است. توسعه نامتوازن و تک‌بعدی تهران، شرایط خطرناکی پدید آورده است، به‌گونه‌ای که برپایه گزارش سازمان بهشت زهرا مرگ‌ومیر بیماران تنفسی با ۴ برابر افزایش روبه‌رو بوده است.

آبخیزهای شمال، نابود شدن نهالهایی را به دنبال دارد که با آنها می‌توان هر سال نیم میلیون هکتار جنگل را احیا کرد. در شمال کشور، بسته به شرایط محلی سالانه ۱۵ تا ۲۵ تن در هکتار فرسایش و شست‌وشوی خاک وجود دارد درحالی‌که برای تشکیل مقدار ناچیزی خاک، زمانی بسیار دراز لازم است.

برپایه گزارش بانک جهانی، زیان بریدن درختان در شمال کشور برابر با ۹۰۶ میلیون دلار یا کمیاب‌تر یک درصد از تولید ناخالص داخلی است. در سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۰۶ هزار متر مکعب چوب در کشور بریده و ۲۵۷ هزار متر مکعب چوب برای سوخت از جنگلهای رو به ویرانی ایران برداشت شده است. جدا از ارزش اقتصادی جنگل، یکی از مهمترین کارکرد غیرتجاری آن را باید در مهار کردن سیل در زمینهای جنگلی دانست. برپایه اطلاعات در دسترس، ۷۴ درصد از ۴۲۱ سیل پدید آمده در ایران در ۲۰ سال گذشته، در شمال کشور روی داده است، به‌گونه‌ای که وقوع سیل در این منطقه در سنجش با ۴۰ سال پیش ۷ برابر شده است. فائو پهنه زمینهای جنگلی ایران را ۷/۳ میلیون هکتار برآورد کرده است. درحالی‌که در ۱۳۵۶، این رقم از سوی فائو ۲۱ میلیون هکتار اعلام شده بود. مسئله تخریب جنگلها تنها به شمال کشور محدود نمی‌شود. در منطقه زاگرس نیز به علت دسترسی نداشتن شهروندان به سوخت فسیلی، هر سال ۱۰۰ هزار هکتار جنگل نابود می‌شود.

از سوی دیگر، درحالی‌که کشتن و حمله به جنگلبانان در استانهای شمالی باعث شده است که آموزش نظامی آنان بعنوان کاری بایسته مورد توجه مسئولان قرار گیرد و بر لزوم از میان بردن کمبود نیروی انسانی برای پاسداری از جنگلها بیش‌ازپیش انگشت گذاشته شود، بریدن و تخریب درختان در جنگل لویزان در دل پایتخت و بی‌توجهی مسئولان به آن، واکنش تند ۱۰ گروه غیردولتی دوستدار محیط زیست را به دنبال داشته است. این گروهها در شکایت خود تخریب و بریدن درختان جنگل لویزان را مغایر کنوانسیون بیابان‌زدایی، کنوانسیون تنوع زیستی، بیانیه استکهلم، بیانیه ریو (۱۹۹۲) و بیانیه اصول پاسداری از جنگلها مصوب ۱۹۷۲ اعلام کردند. با آثار انکارناشدنی این اقدام در تخریب محیط زیست، نگاه سیاسی به موضوع، اقدامات دیگری مانند از میان بردن توتستانها در «کن» و ساخت‌وساز اداری در پارک پردیسان و... را نیز از حوزه بحث عمومی خارج کرد.

زباله‌های شهری، از دیگر عوامل تهدیدکننده محیط زیست در کشور است. روزانه ۴۰ تا ۴۵ هزار تن زباله شهری در ایران تولید می‌شود که بخش بزرگی از آن (۷ هزار تن) به تهران اختصاص دارد. بررسیها نشان می‌دهد که بسیاری از این پسماندها برای تندرستی انسان و محیط زیست خطرناک است و در ردیف واژد زاینده قرار دارد. این مواد بی‌رعایت اصول زیست محیطی و فتنی در محیط تخلیه می‌شود و

امروزه ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت کشور از آلرژی‌های گوناگون مرتبط با آلودگی هوا رنج می‌برند. برپایه گزارش سازمان ملل، ایران در میان ۱۱۸ کشور جهان از نظر بهره‌وری انرژی در رده‌ای پایین (۹) است: به ازای مصرف هر واحد انرژی در ایران که برابر یک کیلوگرم نفت است، تنها ۳/۱ دلار تولید ناخالص وجود دارد. از سوی دیگر، افزایش مصرف برق نیز از نکات برجسته در تشدید آلودگی‌های زیست‌محیطی است. در بیشتر کشورهای جهان نرخ افزایش مصرف برق ۲ تا ۳ درصد است. در حالی که این رقم در کشور ما به ۱۰ درصد می‌رسد و مصرف انرژی لوازم خانگی در ایران کمابیش ۸ برابر میانگین جهانی آن است. بخش ساختمان نیز در کشور ۲/۵۶ برابر میانگین جهانی انرژی مصرف می‌کند. این زیاده‌روی چشمگیر در مصرف انرژی، از بنزین خودروها تا سوخت نیروگاهها، آثار زیانبار خود را به محیط زیست تحمیل می‌کند.

آرمان هشتم: مشارکت جهانی در زمینه توسعه

برای تحقق این هدف کشورهای ثروتمند موظفند کمک‌های خود را به کشورهای رو به توسعه افزایش دهند، بدهی‌های کشورهای فقیر را ببخشند، امکان دستیابی به داروهای حیاتی با بهای مناسب را پدید آورند، فرصت‌های بهره‌گیری از تکنولوژی‌های تازه به ویژه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی را فراهم سازند و زمینه‌های ایجاد کار شرافتمندانه و مولد برای جوانان را گسترش دهند. توجه ویژه به کشورهای محصور در خشکی و توسعه دولت‌های کوچک و جزیره‌ای برای دسترسی به صادرات بدون تعرفه و عوارض گمرکی کشورها (LCD) و اصلاح برنامه بخشودگی بدهی کشورها (HIPC) و لغو دو جانبه رسمی بدهی‌ها و افزایش کمک‌های مالی توسعه‌ای به کشورهایی که در راه کاهش فقر تلاش می‌کنند، از زیرمجموعه‌های هدف هشتم به شمار می‌رود.

ایران

از دید کارشناسان، کاهش هم‌ایران در بازرگانی کالایی جهان، کاهش مستمر و چشمگیر سهم بازرگانی در تولید ناخالص داخلی، کمبود سرمایه‌گذاری خارجی، ناهماهنگی قوانین و مقررات و سیاست‌های اقتصادی کشور با تحولات جهانی و دولتی بودن اقتصاد ایران از بزرگترین موانع پیوستن ایران به اقتصاد جهانی است و از تحقق آرمان هشتم در توسعه هزاره جلوگیری می‌کند.

نتیجه‌گیری

شاید بتوان یکی از برجسته‌ترین موانع توسعه‌نیافتگی در هر کشور را، فقر و ناتوانی شهروندان را تأمین ابتدایی‌ترین و ضرورت‌ترین نیازهای انسانی خود دانست. دور باطل فقر و توسعه‌نیافتگی در جای‌جای جهان از دیرباز وجود داشته و چنانچه به‌درستی به ریشه‌ها و ابعاد فقر پرداخته نشود، همچنان وجود خواهد داشت. ستیز با فقر اگر از چارچوب شعارها و برنامه‌های اجرانشده بیرون نرود، فقیران فقیرتر خواهند شد و توسعه‌نیافتگی و محرومیت ژرف‌تر و ریشه‌دارتر، پایه و شالوده بسیاری از مشکلاتی که امروز جهان رو به توسعه از آن رنج می‌برد، در خاک سخت فقر مردمانشان نهفته است. شاید بتوان تحقق هفت آرمان توسعه هزاره سوم را متأثر از آرمان نخست دانست. فقر مالی، فقر آموزشی، فقر فرهنگی، فقر اجتماعی و... انسان توسعه‌نیافته را چنان در چنبره مشکلات گرفتار می‌کند که جز گذران زندگی روزانه به چیزی دیگر نمی‌اندیشد و بی‌گمان جوامع توسعه‌یافته پیش و بیش از آنکه نمودار افزایش شاخصها و کمیته‌ها و اعداد و ارقام باشد، نشان از حضور انسانهای توسعه‌یافته دارد. از سوی دیگر، برخی از کارشناسان توسعه‌یافتگی را با آزادیهای واقعی شهروندان مانند آزادیهای سیاسی، شهروندی، مدنی، بیان، قلم، رسانه‌ها و... همسو و هم‌جهت می‌دانند و توسعه‌نیافتگی را در یک بعد، به از دست رفتن توان انتخاب شهروندان تعبیر می‌کنند.

چنین می‌نماید که خواست جهانی، بهبود شرایط بد کشورهایی است که سالهاست از توسعه‌نیافتگی رنج می‌برند و پیامدهای منفی آن را بسیار آزموده‌اند. اگر هم اراده و مشارکت جهانی در کار باشد، بار اصلی این مهم بر دوش دولت‌ها و ملت‌هایی است که دستیابی به توسعه را لازمه بی‌چون‌وچرای حضور مؤثر در جهان امروز می‌دانند و آینده را جز از راه دگرگون کردن شرایط کنونی ترسیم نمی‌کنند.

پرده خیال بافی‌ها، شعارها، توهم‌ها و دشمن‌های فرضی را که کنار بزنیم، هشت آرمان توسعه هزاره سوم پیش روی ماست و تا سال ۲۰۱۵ زمانی دراز نمانده است.

منابع:

۱. ساکس، جعفری. سرمایه‌گذاری در توسعه: برنامه‌ای عملی برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره. ترجمه گروه مترجمان. تهران: سازمان ملل متحد-دفتر هماهنگ‌کننده مقیم در جمهوری اسلامی ایران با همکاری انتشارات برگ زیتون. ۱۳۸۴
۲. عظیمی، حسین. مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی. ۱۳۷۱
۳. اویسی، داود. دیده‌بانی و پایش توسعه پایدار انسانی. تهران: دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد. زمستان ۱۳۸۴
۴. «اعتراض به نقد دولت در مجلس». شرق. (۹۲ خرداد ۱۳۸۵)
۵. «هشدار اقتصاددانان به رئیس جمهور». شرق. (۲۵ خرداد ۱۳۸۵)
۶. «آزادی انتخاب، حق انسانی». شرق. (۷ خرداد ۱۳۸۵)
۷. «بر بحران بیکاری دامن نزنیم». شرق. (۳ تیر ۱۳۸۵)
۸. «در ایران هیچ خبری نیست». شرق. (۲۷ خرداد ۱۳۸۵)
۹. «بهام در زمان اجرای قانون». شرق. (۱۷ خرداد ۱۳۸۵)
۱۰. «۶ میلیون دبستانی در سال تحصیلی جدید خواهیم داشت». شرق. (۱۹ تیر ۱۳۸۵)
۱۱. «هشدار نسبت به وضعیت کودکان کنگو». شرق. (۳ تیر ۱۳۸۵)
۱۲. «وضعیت بهداشت ایران مناسب است». همان
۱۳. «سو تغذیه کودکان ایرانی». شرق. (۲۶ تیر ۱۳۸۵)
۱۴. «۴۴ درصد مرگ مادران در اثر سقط غیربهداشتی». شرق. (۱۷ تیر ۱۳۸۵)
۱۵. «کنفرانس ایدز در مقر سازمان ملل». شرق. (۱۰ خرداد ۱۳۸۵)
۱۶. «هشدار سازمان ملل نسبت به گسترش شدید ایدز در آسیا پاسیفیک». (۱۴ تیر ۱۳۸۵)
۱۷. «توزیع رایگان داروی ایدز در هند». شرق. (۱۲ تیر ۱۳۸۵)
۱۸. «هشدار سازمان ملل نسبت به افزایش مبتلایان به ایدز در بین جوانان آسیا و اقیانوسیه». شرق. (۱۱ تیر ۱۳۸۵)
۱۹. «یک بانیه محافظه‌کارانه». شرق. (۱۶ خرداد ۱۳۸۵)
۲۰. «مسال هم مالاریا در نپال و تانزانیا مشاهده شد». شرق. (۱۳ تیر ۱۳۸۵)
۲۱. «ثبت ۷۱۳ مورد جدید بیماری ایدز». شرق. (۲۴ تیر ۱۳۸۵)
۲۲. «کنفرانس زیست محیطی تاجیکستان و افغانستان». (۲۵ تیر ۱۳۸۵)
۲۳. «هشدار جامعه جنگلبانی در تخریب منابع طبیعی شمال کشور». شرق. (۹ خرداد ۱۳۸۵)
۲۴. «رخدادی سیاسی به نام لویزان و درختانش». شرق. (۳۰ خرداد ۱۳۸۵)
۲۵. «بحران زباله در ساری». شرق. (۷ تیر ۱۳۸۵)
۲۶. «مطالعات آلودگی ۹ رودخانه مهم کشور». شرق. (۳۰ خرداد ۱۳۸۵)
۲۷. «بحران زباله در ساری». شرق. (۷ تیر ۱۳۸۵)
۲۸. «مطالعات آلودگی ۹ رودخانه مهم کشور». شرق. (۳ خرداد ۱۳۸۵)
۲۹. «ساخت‌وسازهای غیرمجاز منابع طبیعی آب را تهدید می‌کند». شرق. (۵ تیر ۱۳۸۵)
۳۰. «توسعه یعنی گسترش آزادی». شرق. (۲۲ تیر ۱۳۸۵)